

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

مرحوم آخوند بعد از ابطال نظریه مشهور می‌فرمایند: بین حروف و اسماء در هیچ کدام از سه جهت وضع و موضوع له و مستعمل فیه فرقی نیست. لفظ «من» و لفظ «ابتداء» هر دو در این سه جهت مشترك هستند. واضح معنای کلی ابتدائیت را تصور کرده است و لفظ «من» و «ابتداء» را در مقابل همان معنای کلی قرار داده است، یعنی: موضوع له را عام قرار داده است که کلی ابتداء است، نه این که برای افراد ابتداء قرار دهد. در مقام استعمال هم، معنای مستعمل فیه این دو لفظ، عام است. این نظر، نظر مرحوم آخوند است که ریشه اش برای شیخ رضی نجم الاثمه است و آخوند از ایشان گرفته است.

این جا مرحوم آخوند يك اشکالی بر خود کرده و جواب می‌دهند:

إن قلت: اگر کسی اشکال کند که چنانچه بین حروف و اسماء در هیچ جهتی فرقی نیست پس باید این دو مرادف باشند، و لازمه ترادف این است که احدالمترادفين را بتوان به جای دیگری استعمال کرد؛ در حالی که این واضح البطلان است که در جمله «سرت من البصرة» بتوان به جای «من» کلمه «ابتداء» را گذاشت، زیرا «سرت ابتداء البصرة» غلط است و استعمال هیچ کدام مکان دیگری جایز نیست. بین معنای «من» که حرف است و معنای «ابتداء» که از معانی مستقلة است باید فرقی باشد.

قلت: آخوند در جواب اشکال، عبارتی را آورده اند که در تفسیر عبارت بین محشین کفایه اختلاف است. و چهار احتمال برای آن داده شده است.

آخوند می‌فرماید: این دو در يك جهت فرق دارند و این جهت فرق سبب می‌شود که نتوانیم یکی را مکان دیگری استعمال کنیم. و آن عبارت ایشان این است که: اسم وضع شده است تا معنای استقلالی اراده شود و حرف وضع شده است تا معنای غیر استقلالی اراده شود. البته این مسئله در نظر مرحوم آخوند مسلم است که بین معنای حرفی و اسمی این فرق وجود دارد که معنای اسمی يك مفهوم مستقل دارد و نیاز به تصوّر آن در ضمن مفهوم دیگر نیست - مثل کتاب - ولی حرف آن است که دارای مفهوم غیر مستقل است، یعنی: اگر بخواهیم حرفی را تصور کرده که دارای معنا شود باید در ضمن معنای دیگر باشد.

مرحوم آخوند می‌گوید: این برای ما مسلم است که معنای حرفی، معنای غیر مستقل است و معنای اسمی معنای مستقل است؛ و سرّ این که در عبارات ما نمی‌توانیم حرف را به جای اسم و بالعکس بکار ببریم همین است که اسم وضع شده است تا معنای به نحو استقلالی اراده شود و حرف وضع شده است تا يك معنای غیر استقلالی از آن اراده شود.

اختلاف شاگردان آخوند در کلمه «وضع لیراد» است که آخوند با این عبارت چه می‌خواهد بگوید؟ آخوند که در مقابل مشهور گفت: در موضوع له، قید استقلالی و عدم استقلالی نیست، پس مراد از این عبارت چیست؟

کثیری از محشین کفایه این جمله را به صورت شرط معنا کرده‌اند که آخوند می‌خواهد بگوید: واضع، وضع و موضوع له و مستعمل‌فیه را در کلمه «من» و «ابتداء» عام قرار داده است؛ ولی شرطی را هم قرار داده است به اینکه گفته است: کلمه «من» را برای کلی ابتدائیت وضع کردم به شرطی که جایی آن را بکار ببری که بخواهی لحاظ غیر استقلالی کنی، و کلمه «ابتداء» را برای کلی ابتدائیت وضع کردم به شرطی که جایی آن را بکار ببری که بخواهی لحاظ استقلالی کنی. پس «وضع لیراد» به معنای شرط واضع است.

این يك تفسیر برای عبارت آخوند بود.

تفسیر دوم برای این عبارت - که این تفسیر دوم با يك عبارتی که خود آخوند در بحث مشتق در همین بحث مقدمات در امر 13 دارد بیشتر مناسب دارد - چنین است:

آخوند نمی‌خواهد بگوید که واضع يك شرطی کرده است، بلکه می‌گوید: واضع هدفش از وضع، برطرف کردن نیاز استعمال‌کنندگان است. واضع دیده است که يك سری مفاهیم فقط قابلیت يك لحاظ را دارند، مثل انسان که هیچوقت نمی‌تواند لحاظ آلی و غیر استقلالی داشته و مفهومی است که دائما استقلالی است؛ يك سری مفاهیمی است که دو جور می‌شود لحاظ کرد، مثل: مفهوم «ابتداء» که گاهی استعمال‌کنندگان آن را به صورت مستقل لحاظ می‌کنند و گاهی به صورت غیر مستقل و آلت.

پس واضع خارجا و در مقام استعمال دیده است که استعمال‌کنندگان دو جور نیاز دارند: نیاز استقلالی و غیر استقلالی؛ و لذا گفته است: آن‌جا که نیاز استقلالی دارند مفهوم ابتدائیت را با لفظ «ابتداء» بکار برند، و آن‌جا که نیاز غیر استقلالی دارند مفهوم ابتدائیت را با لفظ «من» بکار ببرند.

بنابراین آخوند می‌خواهد بگوید: «وضع لیراد»، یعنی: در مقام استعمال نه در مقام وضع و موضوع له و مستعمل‌فیه - بین حرف و اسم فرق وجود دارد که گاهی استعمال‌کننده در مقام استعمال، دنبال استعمال معنای مستقل و گاهی دنبال استعمال معنای غیر مستقل است.

آخوند به مستشکل می‌گوید: «ابتداء» و «من» از نظر مقام استعمال بین آنها فرق است و لذا آن‌جا که در مقام استعمال، مفهوم مستقل مراد است نمی‌توان کلمه «من» را بکار برد و باید کلمه «ابتداء» را بکار برد، بیاورد و آن‌جا که در مقام استعمال، يك مفهوم غیر مستقل مراد است نمی‌توان کلمه «ابتداء» را استفاده کرد و «من» را باید بکار برد.

تفسیر سوم آن است که واضع بعد از آنکه وضع را انجام داد در يك انشاء جدید کلمه ابتداء را برای معنای استقلالی و کلمه من را برای معنای غیراستقلالی قرار داد.

تفسیر چهارم آن است که بعد از وضع، کلمه ابتدا در اثر کثرت استعمال انصراف به معنای ابتدایی مستقل و کلمه من در اثر کثرت استعمال در معنای غیراستقلالی تعیین پیدا نمود.

از این‌جا و از این تحقیقی که در فرق بین معنای حرفی و اسمی ذکر کردند، می‌فرمایند: بعید نیست که همین فرق را بین خبر و انشاء ذکر کنیم:

خبر: آن جمله‌ای است که بر يك نسبتی دلالت دارد، و این نسبت يك واقعی دارد که یا با آن واقع مطابقت دارد یا مطابقت ندارد.

[که واقع آن، خارج است که اگر مطابقت داشت می شود خبر صادق؛ و اگر مطابقت نداشت، می شود خبر کاذب].

انشاء: آن جمله ای است که دلالت بر يك نسبت دارد، ولی واقعی وراء این جمله انشائیة که با آن مطابقت کند یا نکند، ندارد.

روی هم رفته سه جور جمله داریم:

1 - بعضی جملات تمحّض در إخباریّت دارند، مثل: زید قائم، که هیچ وقت به نحو انشایی بکار نمی رود.

2 - بعضی جملات تمحّض در انشائیّت دارند، مثل: صیغه افعّل، که دائماً در انشاء بکار می رود.

3 - بعضی جملات مشترك بین إخبار و انشاء هستند که گاهی در انشاء و گاهی در إخبار بکار می روند، مثل: بعث که گاهی به عنوان خبر بکار می رود و گاهی در مقام انشاء است، آن جا که چیزی را می فروشیم.

بحثی که هست این است که فارق بین بعث انشایی و بعث إخباری چیست؟ و بحثی که آخوند مطرح می کند در فرق بین جملات خبری و انشایی در جملات نوع سوّم است و محلّ بحث در جملات مشترکه است.

مرحوم آخوند می فرماید: جمله بعث که در مقام خبر استعمال شود و جمله بعث که در مقام انشاء استعمال شود از نظر وضع و موضوع له و مستعمل فیه فرقی ندارند و هر دو دلالت بر کلی و مطلق نسبت دارند و موضوع له هر دو کلی، نسبت است؛ ولی فرّقشان همان فرق اسم و حرف است که در اسم و حرف - طبق تفسیر دوّم - گفتیم که فرّقشان در مقام استعمال است. بعث خبری و انشایی هم در مقام استعمال فرق دارند به این که اگر متکلم در مقام حکایت از يك شیء گذشته باشد، بعث خبری را می آورد؛ و اگر در مقام انشاء نسبت باشد بعث انشایی را می آورد. سپس در آخر کلام امر به تأمل می فرمایند که اشاره به این مطلب دراد اگر حکایت و ایجاد را از موضوع له و مستعمل فیه خارج سازیم، دیگر چه معنایی عنوان موضوع له یا مستعمل فیه دارد.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين